

اعلامیه مطبوعاتی

توجیه احمقانه رئیس استخبارات استرالیا برای جنایات رژیم صهیونیستی!

(ترجمه)

دیروز مایک برگس، رئیس کل دستگاه امنیت و اطلاعات استرالیا، در مؤسسه لووی سخنرانی‌ای ایراد کرد که صرف برای تمدید پرده‌پوشی دولت استرالیا بر سر کینه‌ورزی نسل‌کشی‌طلبان غاصب سرزمین مقدس فلسطین بود. سخنرانی او مجموعه‌ای از اظهارات تکراری و مأخوذ از زبان دولت و طرفداران نسل‌کشی را دربر داشت. او از «تهدیدات به همبستگی اجتماعی»، «افزایش یهودستیزی» و «عادی‌سازی خشونت سیاسی» سخن گفت. حتی تا آنجا پیش رفت که از احتمال وقوع «ترورهای سیاسی که از خارج هدایت می‌شوند» در داخل استرالیا هشدار داد.

برگس در تلاش نافرجامش برای وارونه‌سازی نقش مظلوم و جلا، حزب‌التحریر را مثال زد و آن را جزو گروه‌هایی خواند که «از تنش‌ها درباره غزه سوءاستفاده می‌کنند» و گفت: «در حالی که حزب‌التحریر انگیزه‌ای دینی دارد، رفتار تحریک‌آمیز، خطابه هجومی و استراتژی خبیث آن تا حد زیادی شبیه تاکتیک‌های شبکه نئونازی‌هاست. محکوم کردن آن نسبت به (اسرائیل) و یهودیان توجه رسانه‌ها را جلب می‌کند و در جذب نیرو مفید است؛ اما عمداً از دعوت به خشونت سیاسی مستقیم خودداری می‌کند. حزب‌التحریر می‌خواهد حدود قانون را بدون شکستن آن‌ها بیازماید و مانند نئونازی‌ها، این رفتار را موجه نمی‌سازد. می‌ترسم خطابه ضد (اسرائیل) آن‌ها روایت‌های گسترده‌تری از یهودستیزی را تغذیه و نرمال کند».

در این راستا، حزب‌التحریر-استرالیا می‌خواهد نکات زیر را روشن سازد:

۱. ایراد این سخنرانی در مؤسسه لووی- که توسط صهیونیست تندرو حامی نسل‌کشی، فرانک لووی، تأسیس شده است- دقیقاً روشن می‌سازد که دولت استرالیا هنگام سخن گفتن از «همبستگی اجتماعی» چه منظوری دارد. برگس در میان هواداران قاتلان کودکان و تجاوزگران اسیران قرار داشت؛ کسانی که معتقدند پروژه این است که شهرها را با خاک یکسان کنند و اگر کسی زنده ماند، او را تا مرگ با گرسنگی رها کنند. معنای همبستگی اجتماعی در لغت‌نامه آن‌ها این است که به جنایت‌کاران اجازه داده شود به جنایات‌شان ادامه دهند و از قربانیان خواسته شود که در سکوت بمیرند.

۲. استرالیا حامی همیشگی نسل‌کشی بوده است. نسل‌کشی از زمانی که بریتانیا در سال ۱۷۸۸م این سرزمین را اشغال کرد امری پذیرفته‌شده بود و همچنان پذیرفته‌شده بود. وقتی که استرالیا اولین نسل‌کشی در فلسطین را در سال ۱۹۴۷ مشروع ساخت و از همان‌سو ادامه نسل‌کشی از سال ۲۰۲۳م را نیز پذیرفته است. اگر تمام آن جنایات قانونی بودند، پس سخن برگس از «احترام به قانون»، نفرت‌انگیز است.

۳. بیست سال «جنگ علیه تروریسم» نشان داد غرب تا کجا حاضر است برود تا از تبعات جرایمش شانه خالی کند. به جای پذیرش مسئولیت، سرزمین‌های را به طور کل ویران کردند و میلیون‌ها انسان را بدون تفکیک کشتند و هر صدای مخالف را جرم انگاشتند، حتی اگر تنها به اعتراض صرف محدود بود. امروز همان سناریو دوباره برای تطهیر این موجود جنایت‌کار اجرا می‌شود، اما این بار جهان فریب‌خورده گذشته نیست.

۴. خشم جهانی علیه این رژیم غاصب امر جهانی است و مردمان همه ادیان و اقوام در سراسر جهان آن را بیان طبیعی پاسخ به جنایات او می‌دانند. به همین دلیل، اتهام «یهودستیزی» تنها با بی‌اعتنایی و ملال پاسخ داده می‌شود.

۵. ادعای این‌که حزب‌التحریر «از قضیه غزه سوءاستفاده می‌کند» اهانتی است به شعور مردم و به مسلمانان؛ گویی مسلمانان از داشتن تحلیل سیاسی مستقل ناتوان اند و فقط قربانیان ساده‌ای هستند که به راحتی فریب توطئه‌ها را می‌خورند. این تحقیر بنیان سیاست پی‌درپی دولت‌های استرالیا در سرکوب جمعی مسلمانان را تشکیل می‌دهد.

۶. حمله برگس به حزب‌التحریر صرف یک کمپاین تبلیغاتی برای ترساندن مسلمانان است. حزب‌التحریر یکی از صداهای مستقل و ثابت در مخالفت با این رژیم جنایت‌کار است و دولت‌ها و همپیمانان شان در پی خاموش کردن این صدا از طریق تهدیدهای قانونی سرکوب‌گر و پی‌گیری‌های امنیتی‌اند.

۷. دعوت حزب التحریر تنها برای رفع ظلم از اهل سرزمین مقدس فلسطین و آزادی آن از یهودیان غاصب نیست؛ بلکه دعوتی است برای رفع ظلم از همه ستمدیدگان جهان، مسلمان و غیرمسلمان، که توسط رژیم‌های سکولار به فلاکت کشانده شده و به ابزار تولید منافع سرمایه داران جشع تبدیل شده‌اند. پروژه و یا طرح حزب التحریر طرح تمدنی جایگزین برای سرمایه‌داری حریص است، نه نظامی که به نفع فیصدی کمی از سرمایه‌داران حکمرانی کند. از این‌رو حزب التحریر خواهان برپایی خلافت راشده بر منهج نبوت است که به موجب آن نه تنها امنیت و عدل در سرزمین‌های اسلامی برقرار خواهد شد، بلکه در سراسر جهان صلح و عدالت جاری می‌گردد. این همان فرمان خالق است که ما را به آن فرا می‌خواند و مایه رضایت وی بوده و راهی به سوی بهشت است.

۸. حمله برگس به حزب التحریر بخشی از کمپاین اسلام‌هراسی است که رسانه‌های غربی علیه اسلام و مسلمانان به راه انداخته‌اند تا افکار سالم در غرب را از حقیقت اسلام عظیم منحرف کنند و نگذارند مردم از تمدن ورشکسته غرب چشم بردارند و اسلام را به عنوان یک جایگزین تمدنی و راه زندگی عادلانه ببینند. برگس مانند نادانان مشرک قریش است که بر پیامبر اکرم صلی الله علیه وسلم تهمت بستند تا چهره او و رسالتش را مخدوش کنند؛ آیا در این کار موفق شدند؟! این مسأله فقط زمان می‌خواهد تا مردم ناپاک را از نیک تفکیک کنند.

۹. برای روشن شدن موضع اسلام درباره قضیه فلسطین که مورد اتفاق همه مسلمانان در همهجا است، موارد ذیل را تأکید می‌کنیم:

الف) فلسطین سرزمین اسلامی است و تعیین سرنوشت آن تنها از آن مسلمانان است و وفق احکام شرع به تصمیم مسلمانان واگذار می‌شود.

ب) در سایه حکومت اسلامی، فلسطین همواره مأوای مسلمانان، یهودیان و مسیحیان بوده و نمونه‌های عالی همزیستی انسانی را پیش چشم داشته است.

ج) بریتانیا فلسطین را اشغال کرد و آن را به خاطر منافع استعمارگرنه‌اش به یهودیان سپرد، سپس امریکا این پروژه را پذیرفت. اسلام نه اشغال بریتانیا را به رسمیت می‌شناسد و نه هم اشغال صهیونیست را و مسلمانان همواره با همه تلاش‌های عادی‌سازی و وجود این غاصب مخالف خواهند بود.

د) فلسطین به وسیله قوای نظامی اشغال شده و پاسخ مشروع به این تجاوز نظامی، مواجهه نظامی برای آزادسازی سرزمین مقدس فلسطین است.

ه) مسئولیت آزادسازی سرزمین مقدس فلسطین بر دوش ارتش‌های مسلمانان است؛ آن‌ها فرزندان این سرزمین‌اند و واجب است که وارد مداخله نظامی شوند، نه تنها برای بازداشتن یهود، بلکه برای آزادسازی کامل فلسطین!

دفتر مطبوعاتی حزب التحریر-استرالیا